

جامعیت علمی ایرج افشار

با نگاهی گذرا به کوشش‌های او در تصحیح متون و رسالات خطی

سید علی آل داود*



آنان که افراد شاخص در بین دسته‌های اخیر نیز کم نبود اگر بخواهیم افراد شاخص‌تر را برگزینیم که از هر حیث بتوان آنان را در شمار دانشمندان طراز اول این عصر به شمار آورد، بی شک استاد فقید ایرج افشار ممتازترین آنان است. فعالیت‌های علمی و مدیریتی او را در یک مقاله کوتاه نمی‌توان برشمرد. او افزون بر تألیفات متعدد در حوزه تحقیقات ایرانی و چاپ رسالات و کتاب‌ها و نگارش مقالات بی‌شمار، در عرصه مدیریت امور علمی، شاخص‌ترین و برجسته‌ترین دانشمند ایرانی در شصت هفتاد سال اخیر ایران بوده است. با مطالعه اجمالی فهرست آثار مکتوب او که چند سال پیش به اهتمام فرزندان او در آمریکا گردآوری شد و به چاپ رسید، می‌توان گستره پهناور پژوهش‌های علمی و فعالیت‌های او را در تصنیف و تألیف کتاب و مقاله و نشریه و مجله دریافت. کتاب مفصلی هم که سال پیش سید فرید قاسمی نوشته، چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید فقط حاوی گزارش فعالیت‌های مطبوعاتی و مجله‌نویسی اوست و به سایر زمینه‌ها مگر به صورت حاشیه‌ای نپرداخته است. ترسیم شخصیت ایرج افشار در تمام ابعاد آن امکان‌پذیر نیست مگر آنکه پژوهشگری تاریخ فرهنگ ایران را در طی شصت هفتاد سال اخیر آن به‌خوبی بررسی و تحقیق کرده و آن را به رشته نگارش درآورد. طبعاً این پژوهشگر در بیشتر رشته‌ها و شاخه‌ها مجبور است نام ایرج افشار و خدمات او را به میان بیاورد. خیلی از خدمات علمی او همچون مدیریت سمینارهای علمی، برپایی کتابخانه‌ها، ارائه خدمات به مراکز مختلف علمی و کتابخانه‌ها طبعاً در ضمن معرفی آثار مکتوب او بیان نمی‌شود و پژوهشگر باید ضمن بررسی شخصیت افشار همه این‌گونه خدمات وی را در مد نظر بگیرد. مرگ او با توجه به سلامت جسمانی وی، زود هنگام بود و لطمه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکر فرهنگ ایران وارد ساخت. وی در محافل ایران‌شناسی و دنیای کتاب‌شناسی سراسر جهان به چنان شهرتی دست یافته

چند دهه پیش، شادروان استاد مجتبی مینوی ضمن مقاله‌ای در مجله یغما، پس از تمهید مقدمه، عنوان کرده بود که هر ملتی در اعصار گوناگون ارکانی دارد و قائمه فرهنگ آن قوم بر ستون‌ها و ارکان مذکور استوار می‌گردد. او نتیجه گرفته بود که علامه محمد قزوینی و سید حسن تقی‌زاده دو رکن اساسی فرهنگ ایران در ابتدای قرن چهاردهم هجری هستند. بی‌شک این ابراز نظر مینوی - همانند سایر موضع‌گیری‌های او - با سخت‌گیری و وسواس فراوان همراه بود و شاید می‌توانست با اندکی گشاده‌نظری یکی دو تن دیگر را بر این اسامی بیفزاید و کسانی چون علامه دهخدا را نیز در حوزه آنان وارد سازد. اینک در پایان قرن چهاردهم هجری، اگر بتوانیم بر شمار پهلوانان میدان فرهنگ ایران زمین و کوششگران برجسته این صحنه، چند تن دیگر افزوده و تعداد آن را به هشت تن برسانیم، بدون تردید ایرج افشار یکی از آنان خواهد بود. ویژگی‌های مشترکی که مینوی برای این شخصیت‌ها در نظر داشت، دانش عمیق، ایران‌دوستی، فرهنگ‌پژوهشی و تحقیقات گسترده و جامع آنان در حوزه مطالعات ایرانی بوده است.

پس از وقوع انقلاب مشروطه در ایران و در اثر ارتباطات گسترده‌ای که از حدود یک قرن پیش از آن تا عصر پیروزی مشروطه‌طلبان پدید آمد، احساس شدید عقب‌افتادگی در بین روشنفکران ایرانی ایجاد شده بود. از آن پس و با گذر از دوران کوتاه هرج و مرج و پس از استقرار حکومت مقتدر مرکزی و تحولات پیش‌آمده، تعدادی اشخاص نخبه و برجسته در حوزه‌های علوم انسانی، تاریخ و ادبیات پا به عرصه نهادند. ویژگی مشخص این گروه آشنایی عمیق با علوم قدیمه و دانش‌های اسلامی و سپس آموزش دقیق علوم جدید و تسلط اکثر آنان بر زبان‌های غربی بود. از بین این گروه و شاگردان

*پژوهشگر و نویسنده

معاصر ایران است، این نکته را روشن و مکشوف می‌سازد. طبعاً با کثیری از کسانی که احوالشان در این کتاب آمده افق فکری همانند ندارد اما در نقد آرا و کارهای آنان کاملاً جانب انصاف را نگه داشته و حرف خود را با بی‌طرفی و ملامت مطرح می‌سازد؛ به گونه‌ای که خواننده هم به آن شخص احترام خواهد گذاشت و هم متوجه نگاه انتقادی نویسنده مطلب خواهد شد. افشار با شخصیت‌های مختلف‌العقیده دوستی و معاشرت و هم‌نشینی داشت. در شمار آنان باید از دکتر محمد مصدق، سید حسن تقی‌زاده، علی دشتی، مطیع‌الدوله حجازی و اللهیار صالح و برخی نظریه‌پردازان حزب توده چون احسان طبری و بزرگ علوی دوستی و آشنایی داشت، اما با بررسی مطالبی که درباره افرادی از این دست نوشته، این نکته روشن می‌شود که وی به هر حال خود صاحب یک عقیده مشخص سیاسی و فرهنگی بوده و این گونه عقاید او هر چند آشکارا بدان‌ها نپرداخته، اما از فحوای کلامش در مقالات مختلف به‌خوبی دستگیر خواننده می‌شود. گروهی البته وی را به محافظه‌کاری مفرط متهم کرده‌اند، اما این سخن اتهامی نارواست. طبعاً این دیگرانند که اگر علاقه داشته باشند شخصیت یک فرد را به طور جامع بررسی و ترسیم نمایند، باید سراسر آثار او و زمانه‌ای را که وی در آن می‌زیسته با دقت مطالعه کنند.

افشار پرکارترین عضو مطبوعات جدی ایران در قرن اخیر است. او در آغاز مدیر داخلی مجله آینده شد. از آن پس خود سردبیر یا بنیان‌گذار نشریات دیگری گردید. مجله کتابداری، کتاب‌های ماه، ایران‌شناسی، نسخه‌های خطی، فرهنگ ایران‌زمین و چند نشریه دیگر از آن جمله است. اما مهمترین فعالیت مطبوعاتی او در پیش از انقلاب را باید راهنمای کتاب و پس از انقلاب ادامه انتشار مجله وزین آینده دانست. راهنمای کتاب یکی از مجلات اثرگذار در بین مجلات ایرانی است؛ نقد کتاب به طور اصولی و بی‌طرفانه در ایران از راهنمای کتاب آغاز شد. راهنمای کتاب، به‌زودی، هم در میان استادان دانشگاهی و هم در میان نوگراها و متجددین و سیاسی‌مآب‌ها احترام فراوان به دست آورد. همه آن را می‌خواندند و خیلی‌ها مطالب و مقالات خود را در آن انتشار می‌دادند. آن را سمبل بی‌طرفی و نقد درست علمی به شمار می‌آوردند. مروری بر مندرجات این مجله نشانگر آن است که آثار کسانی همچون جلال‌آل احمد،

بود که همه علاقه‌مندان و متخصصان دنیای ایران‌شناسی برای پاسخ‌سؤالات و حل معضلات خود در این مقوله‌ها به او روی می‌آوردند. چند سال پیش در یک سمینار علمی که در دانشگاه لیدن هلند تشکیل یافته بود و نگارنده نیز آنجا حضور داشت دریافت که ایران‌شناسان ممالک مختلف اروپا و آمریکا احترامی عمیق نسبت به او دارند؛ همه، حتی برجستگان غربی، به هنگام سخنرانی خود، گوشه چشمی به او دارند و می‌خواهند دریابند که نظری راجع به سخنرانی و مقاله آنان چیست. این را خود من در نگاه نگران برخی سخنرانان مشاهده کردم.

جای افسوس بسیار است که در طی دو سه دهه اخیر، کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی و دانشگاهی ایران خود را از وجود او محروم ساختند. چند سالی پیش تر از این، رئیس یکی از کتابخانه‌های بزرگ کشور، طی نامه‌ای از یکی از مؤسسات بزرگ کتاب‌شناسی شرقی و اسلامی در اروپا درخواست کرده تا مشاوره برای بخش کتاب‌های اسلامی کتابخانه معرفی نماید تا عندالاقضا از نظرات او بهره‌مند شوند. پاسخ مؤسسه مذکور که در زمینه فعالیت‌های خود شهرتی جهانی دارد چنین بود که: «بزرگترین و متخصص‌ترین مشاور ما ایرج افشار است؛ چرا از او کمک نمی‌گیرید؟» و این در حالی بود که افشار بی‌مضایقه حتی در سال‌های پایانی زندگی به منظور انجام امور علمی، بی‌منت هر دعوتی را می‌پذیرفت بی آنکه حتی منتظر باشد اتومبیل برایش بفرستند. نکته‌ای که آقای بجنوردی هم در سخنان اخیر خود در روز چهلم درگذشت استاد بر سر مزارش در بهشت زهرا بر آن انگشت گذاشت و گفت: که او به‌رغم تصور دیگران، دعوت برای شرکت در جلسات مشاوره کتابخانه ملی را پذیرفته بود.

او در مباحث و مقولات علمی همواره شخصیتی آسان‌گیر و تشویق‌کننده داشت. چه بسا جوانانی که در آغاز از مواجهه با او واهمه داشتند و سرانجام در زمره کسانی درآمدند که به تشویق وی به کارهای اساسی روی آوردند. او نه تنها مشوق جوانان بود، بلکه اگر در کاری یا در تدوین کتابی به او یاری می‌رساندند حقوق معنوی و مادی آنان را کاملاً مراعات می‌کرد و از نهادن اسم خود در کنار این گروه به‌رغم تمام هم‌طرازان خود ابدایی نداشت. رفتار او با کسانی که با عقاید اجتماعی و فرهنگی و سیاسی وی توافق نداشتند به همین سان بود. نگاهی به کتاب نادره کران، که متضمن مقالات متعدد او در سوگ دانشوران

مهرماه ۱۳۲۳ که مدیر داخلی دوره سوم مجله آینده بود و سپس همکاری با جهان نو و سردبیری مهر و سخن و کتاب‌های ماه و راهنمای کتاب و انتشار نشریه‌های فرهنگ ایران زمین و ایران‌شناسی و نسخه‌های خطی و کتابداری) و آگاه‌بودن نسبی از وضع سخت انتشار مجله‌های تحقیقی و مخصوصاً مشکلات مربوط به طرز پرداخت و جوه اشتراک، بر این شده است که برای دوره بیستم تقاضای دریافت مبلغی بیش از یک‌هزار و یکصد ریال نکند، زیرا بیش از آن مبلغ برای مشترکان سنگین خواهد بود...»

از هنرهای دیگر افشار آن بود که به هنگام سفر در گوشه و کنار ایران، در روستاها و شهرهای کوچک، افراد مستعد را شناسایی می‌کرد و آنان را به تحقیق و نوشتن مطلب، مخصوصاً در باب تاریخ و جغرافیا و گویش‌های محل سکونتشان، تشویق می‌کرد. برخی اینان خود سابقاً مطالبی نوشته بودند اما مجال عرضه آن را نداشتند و کم‌کم حالت یأس به آنان دست می‌داد. او به این ترتیب تعداد زیادی از آگاهان و مطلعان محلی را پیدا کرده بود و به نوشتن وامی داشت و هر هنگام که مجال می‌یافت نوشته‌های آنان را به دست چاپ می‌سپرد. از این رو او باعث شد که انبوهی از اطلاعات دست اول راجع به گوشه و کنار ایران گردآوری شده، به چاپ برسد. مرگ او شاید بیش از همه این گروه از محققان گوشه‌نشین ایران را در حزن فرو برده باشد؛ گروهی که بی‌پشتیبان شده و عجالتاً کسی حامی آنان نیست.

یکی از زمینه‌هایی که افشار در بیشتر ادوار زندگی به آن پرداخته و کارهای چشم‌گیری ارائه داده، تصحیح متون و رسالات گوناگون است. شاید بتوان او را پرکارترین محقق و مصحح ایران در دوره معاصر به شمار آورد. متونی که وی شناسایی، ویرایش و تصحیح کرده و همراه با مقدمه و توضیحات و تعلیقات سودمند به چاپ رسانده است، مطابق شمارشی که فرزندانش در سال ۱۳۸۱ به دست داده‌اند، افزون از صد و چهل کتاب و رساله است. طبعاً در هشت سال پس از آن نیز فعال و پرتلاش بوده و احتمالاً تعداد متون تصحیحی او هم‌اکنون بالغ بر دویست اثر است.

او در حوزه تصحیح متن، هرگز به دنبال متون پراوازه و شناخته‌شده نرفته است. این آثار را کسان بسیاری از اساتید و مصححان نام‌آور یافته و در تصحیح آن کوشیده‌اند. افشار

غلامحسین ساعدی، صمد بهرنگی و جامعه‌شناسانی چون جمشید بهنام و شاپور راسخ در کنار متون کهن در این نشریه نقد و بررسی می‌گردید. چنان‌که سال‌ها نقاد آثار نویسندگان نوپرداز اعم از شاعر و رمان‌نویس یا نویسندگان داستان کوتاه بود و خواه‌ناخواه پای این قبیل نویسندگان به مجله باز شده بود. آینده هم پس از انقلاب همان راه و مسیر راهنمای کتاب را ادامه داد.

گروهی می‌پنداشتند که افشار در وقت انتشار آینده دیگر آن شور پیشین را ندارد و آینده در قیاس با راهنمای کتاب سنت‌گرا شده است. در حالی که چنین نبود. او با همان شوق دوران جوانی به پژوهش می‌پرداخت و نویسندگان نوپلم را تشویق و تحریض می‌کرد تا کارهای جدیدی ارائه دهند. هر چند آینده پس از انتشار آخرین شماره سال ۱۹ (زمستان ۷۲) تعطیل شد، اما افشار قصد تعطیلی آن را نداشت. در نامه‌ای که پس از انتشار آخرین شماره به مشترکین نوشت و نامه‌ای مفصل و خواندنی است، از برنامه‌های خود درباره انتشار مجله برای بیستمین سال (۱۳۷۳) خبر داده و توضیح داده با اینکه وسایل چاپ مجله بسیار گران‌تر شده، او از افزایش قیمت مجله صرف نظر می‌کند تا همچنان گروه بیشتری موفق به دریافت آن شوند. بخش‌هایی از این نامه نقل می‌شود:

«مجله آینده، در مورد بهای اشتراک دوره بیستم، به جای آن که قیمت‌گذاری تازه در بهای اشتراک بنماید اندیشیده است که توانایی پرداخت خوانندگان خود را در نظر بگیرد؛ یعنی مبلغی را برای بهای اشتراک تعیین کند که طبقات فرهنگی و بازنشسته بتوانند آن را بپردازند... مجله‌هایی از نوع آینده که درآمد اعلانی ندارند و از گرفتن هر گونه وامی پرهیز می‌کنند و سرمایه نقدی هم در اختیارشان نیست، برای هر یک شماره‌ای که به تعداد صفحات آینده چاپ می‌کنند، ششصد هفتصد هزار تومان نقد باید بپردازند. در حالی که جوه اشتراک را به تدریج و تحمل، آن هم غالباً با مطالبه و مکاتبه و مراجعه دریافت می‌کنند. به سخنی دیگر باید دست کم وجه اشتراک ششصد مشترک وصول شود تا مخارج یک شماره مجله تأمین شده باشد. به قول مرحوم حبیب یغمایی:

ماه تا ماه منتشر هستم

سال تا سال منتظر هستم

تصور مدیر مجله آینده، پس از پنجاه سال مجله‌گردانی (از

همسرش را در اختیار افشار قرار داد و وی یادداشت‌های این دو رجل سیاسی برجسته را که از حیث فکری در دو جناح متضاد بودند تدوین کرد و انتشار داد و در نشر هر دو کتاب نهایت دقت و امانت را مبذول داشت.

روانش شاد باد که نظیرش به این زودی‌ها در ایران زمین پیدا نخواهد شد.

نامهٔ ایرج افشار به مشترکین مجلهٔ آینده قبل از تصمیم به تعطیلی مجله

مجلهٔ آینده پس از چاپ آخرین شمارهٔ سال ۱۹ یعنی زمستان ۱۳۷۲ تعطیل شد. اما مدیر مجله قصد ادامهٔ انتشار آن را داشت و از این رو نامه‌ای به مشترکین نوشت و درد دل‌های خود را بی واسطه با آنان در میان نهاد. در این نامهٔ خواندنی آن را بخشی از مشکلات نشر مجلهٔ جدی در ایران بیان شده است؛ بدین مناسبت نشر سراسر آن را خالی از فایده نمی‌داند: به یاری پروردگار دورهٔ سال ۱۳۷۲ مجله به پایان رسید. آخرین شمارهٔ آن که مربوط به زمستان سال ۱۳۷۲ می‌بود، با تأخیر در تیر ماه ۱۳۷۳ تقدیم شد. بر خواندن دشواری‌هایی که موجب تأخیر در انتشار مجله می‌شود و نیز بر شمردن موجهاتی که گرانی بهای مجله را پیش می‌آورد برای آن دوست فرهنگمند بی حاصل و برای ما ملال آور است.

آنچه مسلم است تزیید تدریجی و عرفی بهای مطبوعات و مخصوصاً مجله‌هایی که از اعلانهای بازرگانی کم‌کنندهٔ هزینه‌ها عاری است، هم‌تراز سایر اجناس زندگی و خدمات و مخارج عمومی است. پس طبعاً انتظار آن را نمی‌توان داشت که اشتراک مجله‌ای در سال نو ارزان‌تر بشود از آنچه بوده است.

مجلهٔ آینده در مورد بهای اشتراک دورهٔ بیستم، به جای آنکه قیمت‌گذاری تازه در بهای اشتراک بنماید اندیشیده است که توانائی پرداخت خوانندگان خود را در نظر بگیرد، یعنی مبلغی را برای بهای اشتراک تعیین کند که طبقات فرهنگی و بازنشسته بتوانند آن را بپردازند.

برای آنکه خوانندگان گرامی بدانند مخارج طبع یک مجله چیست و بهای اشتراک آن بر چه مبنائی تعیین می‌شود اجازه می‌خواهد توضیحی بدهد و بر آن پایه، از دلبستگی انتظار داشته باشد هر چه زودتر تقاضای اشتراک جدید خود را بفرستند و ما به طور نسبتاً روشن بدانیم واقعاً با ترتیب پیشنهادی جدید چند مشترک خواهیم داشت تا به همان

به دنبال آثاری رفته که برای دیگران کمتر جاذبه داشته و البته کشف فواید آن کاری رنج‌آور و مشکل بوده است. اکثر رسالاتی که به چاپ رسانده، مخصوصاً از لحاظ محتوا، واجد اهمیت بوده‌اند. مندرجات آثار تصحیحی او و به‌ویژه رسالاتی که به چاپ رسانده، برای تدوین تاریخ اجتماعی و اقتصادی مردم ایران در اعصار گذشته از اهمیت خاص برخوردار است. او علاقه‌مند بود که بیشتر رساله‌های ناشناخته و کم‌حجم را که موضوع آنها معمولاً شامل این‌گونه مباحث بوده به طبع برساند. خدمتی که او در راه شناسایی، تصحیح و انتشار این رساله‌ها به تاریخ ایران انجام داده، کمتر از خدمات بزرگی نیست که او در دنیای کتاب‌شناسی، فهرست‌نگاری نسخ خطی و تدوین فهرست مقالات فارسی انجام داده است.

شمار زیادی از این آثار مختص دوره‌های قبل از قاجاریه است، اما عصر قاجار به سبب اهمیتی که شناخت آن برای تاریخ معاصر ایران دارد، بسیار مورد توجه او بود. او به جز مقالات متعددی که در تاریخ این دوران و در باب شخصیت‌های عصر قاجار نوشته، رسالات و کتاب‌های متعددی اعم از سفرنامه‌ها، رساله‌های کوچک و یادداشت‌های اشخاص برجستهٔ این عهد را به چاپ رسانده است. توان گفت برای نگارش دقیق تاریخ دو قرن اخیر ایران هر مورخ و نویسنده‌ای ناگزیر از مراجعه به تمامی آثاری است که یا نوشتهٔ افشار است یا به اهتمام او به چاپ رسیده است.

یکی از انواع آثاری که بسیار مورد علاقه و مطلوب او بوده خاطرات و یادداشت‌های شخصی افراد برگزیدهٔ این دوره است. قدیمی‌ترین نوشتهٔ مربوط به این عصر، خاطرات روزانهٔ مفصل محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه و از جملهٔ محارم شخص شاه است که هم به کوشش و مقدمهٔ افشار نخستین بار به چاپ رسیده است. خاطرات اعتمادالسلطنه مفصل و افزون بر ۱۲۰۰ صفحه است. در مقابل، او یادداشت‌های حاج امین‌الضرب، تاجر متنفذ آن دوران را که متنی کوتاه و مختصر اما پر مطلب است را نیز به چاپ رسانده است. او در راه نشر این آثار، همچون محقق کاملاً امین و بی‌طرف رفتار کرده چنان‌که به سبب همین ملاحظات، دکتر غلامحسین مصدق، یادداشت‌های اختصاصی پدرش دکتر مصدق را برای ویرایش و چاپ به او سپرده و عطیه تقی‌زاده همسر سیدحسن تقی‌زاده نیز خاطرات مفصل

مجله تأمین شده باشد. به قول مرحوم حبیب یغمائی:

ماه تا ماه منتشر هستم

سال تا سال منتظر هستم!

تصور مدیر مجله آینده، پس از پنجاه سال مجله گردانی (از مهر ماه ۱۳۲۳ که مدیر داخلی دوره سوم مجله آینده بود و سپس همکاری با جبهان نو و سردبیری مهر و سخن و کتابهای ماه و راهنمای کتاب و انتشار نشریه‌های فرهنگ/بیران زمین و/بیران شناسی و نسخه‌های خطی و کتابداری) و آگاه بودن نسبی از وضع سخت انتشار مجله‌های تحقیقی و مخصوصاً مشکلات مربوط به طرز پرداخت و جوه اشتراک، برین شده است که برای دوره بیستم تقاضای دریافت مبلغی بیش از یکهزار و یکصد ریال (تقریباً معادل مبلغ سال ۱۳۷۲ که برای چهار شماره بود) نکند زیرا بیش از آن مبلغ برای مشترکان سنگین خواهد بود و اگر مبلغی متناسب امکان نباشد پرداخت دشوار می‌شود و بالطبع تعداد مشترکان کاسته خواهد شد. به علاوه توجه دارد به اینکه چون تعداد مجله‌های فرهنگی افزونی گرفته است اگر کسی بخواهد دو سه مجله را مشترک باشد و برای هر یک مبلغی درین حدودها، و گاه بیشتر، بپردازد دشواری و سنگینی مخارج ایجاد می‌شود.

از آن سو، نشر چهار شماره مجله در حدود یکهزار و یکصد صفحه در قبال مبلغ یکهزار و یکصد تومان با هزینه‌های کنونی خارج از توان مجله است. تا سال گذشته بهای مجله به میزان صفحه‌ای یک تومان حساب شده بود در حالی که برای دوره بیستم که احتمالاً پیش یا در فروردین ۱۳۷۴ نشر می‌شود (اگر بر بهای مواد و مخارج مجله افزوده نشود) فعلاً صفحه‌ای پانزده ریال متعادل می‌نماید و به این میزان پیش‌بینی می‌شود.

باری، نتیجه‌ای که حاصل شده است که در مبلغ اشتراک سالانه برای اشخاص تغییر مهمی ندهیم و در قبال گران شدن بهای فیلم و زینگ و کاغذ و پست و مخارج چاپ و حروف چینی و صحافی و خدمات دیگر که همواره در تزییدست از تعداد اوراق مجله یعنی شماره‌های مجله بکاهیم و به میزانی که مبلغ یک هزار و یکصد تومان اقتضا دارد مجله را در دو شماره تقدیم کنیم (هر شماره حدود سیصد و پنجاه صفحه).

از آن خواننده گرامی خواهشمندست در صورت علاقه‌مندی، هرچه زودتر تمایل خود را به ادامه اشتراک آینده مرقوم دارند تا تعداد خواستاران معلوم شود و بتوانیم تصمیم بگیریم چه

مقدار مجله به چاپ رسانیده شود. قدم اول همین است که تعداد مشترکان معین باشد و بتوانیم درست بسنجیم که آیا ادامه انتشار آینده ممکن است یا نیست و پشتیبان مجله چه کسانی‌اند.

مخارج چاپ مجله بدون احتساب خدمات آماده‌سازی و دفتری و دبیری بر اساس قیمت‌های رایج در شهریور ماه ۱۳۷۳ برای هفتصد صفحه در دو شماره‌ای که ان شاء الله در نظرست به چاپ رسانیده شود (در صورتی که در نیمه دوم سال افزودگی هزینه پیش نیاید) چنین است:

حروفچینی و صفحه‌بندی و غلط‌گیری	۲,۵۰۰,۰۰۰	ریال
فیلم و زینگ	۳,۰۰۰,۰۰۰	ریال
کاغذ و لثاف روی جلد (سه‌میة احتمالی)	۴,۰۰۰,۰۰۰	ریال
(و گر نه کاغذ آزاد)	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	ریال
چاپ و صحافی	۳,۰۰۰,۰۰۰	ریال
حمل و نقل کاغذ به چاپخانه، مجله به دفتر، مجله به پست	۴۰۰,۰۰۰	ریال
بسته‌بندی و پست مجله‌ها	۱,۰۰۰,۰۰۰	ریال
کاغذ و پاکت و قبض و فتوکپی و تلفن و مخارج دفتری	۵۰۰,۰۰۰	ریال
حق توزیع تکفروشی مجلات	۱,۰۰۰,۰۰۰	ریال
وصول حق اشتراک توسط محصل	۵۰۰,۰۰۰	ریال

این نکته هم مناسب است دارد گفته شود که هر چه بر تعداد انتشار مجله افزوده شود از بهای مجله کاسته می‌شود. برعکس هر چه شماره مشترکان کمی بگیرد بهای مجله بیش می‌یابد. در این چند سال اخیر محسوس بود که هر چند یکبار به ناچار هر چه بر بهای مجله افزوده می‌شد از شماره مشترکان کاسته می‌گردید. مجله آینده همیشه تعداد شماره‌های چاپ شده را بر مجله نوشته است.

مجله‌هایی از نوع آینده که درآمد اعلانی ندارند و از گرفتن هر گونه وامی پرهیز می‌کنند و سرمایه نقدی هم در اختیارشان نیست، برای هر یک شماره‌ای که به تعداد صفحات آینده چاپ می‌کنند، ششصد هفتصد هزار تومان باید بپردازند. در حالی که جوه اشتراک را به تدریج و تحمل آنهم غالباً با مطالبه و مکاتبه و مراجعه دریافت می‌کنند. به سخنی دیگر باید دست‌کم وجه اشتراک ششصد مشترک وصول شود تا مخارج یک شماره



به حساب ارزی مجله (حساب شماره ۹۵۰۰۶۸ ایرج افشار بانک صادرات ایران شعبه ۸۲۰ چهارراه زعفرانیه تجریش) پرداخت کنند.

خلاصه شرایط جدید اشتراک:

اشخاص مشترک (تهران و ولایات) ۱۱۰۰۰ ریال

اشخاص مشترک (خارج از ایران) هوائی ۲۵۰۰۰ ریال

کتابخانه‌ها و سازمانها ۱۵۰۰۰ ریال

دانشجویان ۱۰۰۰۰ ریال

ضمناً خاطر شریف خواننده گرامی را یادآور می‌شود که اگر قرار بود دفتر مجله، برای اجاره محل کرایه‌ای بپردازد (زیرا به رایگان از سوی موقوفات دکتر محمود افشار در اختیار آمده) و همچنین کوشش‌های فرهنگ‌دوستانه نویسندگان را در نگارش مقالات به طور مادی پاسخگو باشد ادامه انتشار مجله آینده امکان نداشت.

ضمناً از خوانندگان و خواستاران انتظار دارد کوشش دلسوزانه‌ای برای یافتن مشترکان تازه بفرمایند که بخشی از پایدار ماندن آینده در آینده بدان خواهد بود.

مدیر مجله

باید کرد. این مطلب هم گفته شود که مجله در صورت انتشار منحصراً برای کسانی فرستاده خواهد شد که پیشاپیش بدون استثنا وجه اشتراک را بفرستند. تأکید برین نکته ازین باب است که یکی از مشکلات وقت‌گیر عمده و ملال‌آور در تهران فرستادن محصل برای دریافت وجه اشتراک است که در بسیاری از موارد موجب رنجش خاطر مشترکان شده است. کسانی بوده‌اند که خود تقاضای اشتراک کرده‌اند ولی بهای اشتراک را نپرداخته‌اند و به مسامحه برگزار فرموده‌اند.

مکاتبه با مشترکان ولایات با گرانی پست مشکل دیگری است که گاهی به دو یا سه بار نامه‌نویسی می‌کشد. خوانندگان ولایات خود نیک می‌دانند که اکنون به هر نامه‌ای باید مبلغ دوازده تومان تمبر الصاق کرد.

در مورد مشترکان خارج از ایران مشکل چند چندان است. مجله ناچارست که به سبب گرانی بهای پست باب مکاتبه را به کلی مسدود کند. ناچار مجله را منحصراً برای کسانی خواهد فرستاد که وجه اشتراکشان پیشاپیش آن هم برای دو سال در تهران توسط اقوامشان پرداخت شده باشد تا نیازی به هیچ‌گونه مکاتبه نباشد. یا اینکه خود بهای اشتراک را به دلار



مگر شبانه‌روز استاد ایرج افشار چند ساعت بود؟

سجاد آیدنلو*



و ادب ایران به عزا تبدیل شد. در این میان وفات دریغ‌بار دانشمند بزرگ و کم‌مانند عرصه مطالعات ایرانی، استاد ایرج افشار (۱۶ مهر ۱۳۰۴ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۹)، چنان غمی بر دل‌ها نهاد که بی‌گمان فراموش نمی‌شود و بالای خمیده تحقیقات ادبی، تاریخی و نسخه‌شناختی از گرانی این ضایعه هرگز راست نخواهد شد.

از ویژگی‌های نیک زنده‌یاد استاد افشار این بود که پس از فوت دانشوران برجسته مقاله و یادداشتی درباره آن استاد می‌نوشتند که مجموعه‌ای از این سوگ‌نوشته‌ها تا سال ۱۳۸۱ در کتابی گردآوری شده است.^۲ به پیروی از این سنت علمی-اخلاقی و با توجه به جایگاه بسیار درخشان خود استاد افشار در تاریخ

این جمله معروف را بزرگان به هنگام درگذشت دوستان و همسالان و همکارانشان می‌گویند/ می‌نویسند که یکی از زیان‌های دیرزیستن، دیدن مرگ یاران است. بیان دیگر و تغییر یافته‌ای از این عبارت می‌تواند چنین باشد که یکی از تلخی‌های ناخواسته دیرزادن هم، دیدن و تحمل داغ وفات استادان نسل‌های پیشین است. هزاران هزار افسوس که دو هفته پایانی سال شوم ۱۳۸۹ زمانی دردناک برای تحقق مفهوم عبارات مذکور بود و با درگذشت چند تن از پژوهشگران و استادان نامدار، عید همه دل‌بستگان فرهنگ

* استادیار دانشگاه پیام نور اورمیه

۱. نام یادداشت برگرفته از جمله شادروان دکتر احمد تفضلی درباره پرخوانی و بسیار دانی مرحوم دکتر عباس زریاب خوبی است که نوشته‌اند «من همیشه از خود پرسیده‌ام که مگر ۲۴ ساعت شبانه‌روز زریاب طولانی‌تر از آن دیگران است که این همه می‌داند» (تفضلی، احمد؛ «در رثای استاد دکتر عباس زریاب خوبی»، ایرانشناسی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۲۸۰).

۲. رک: افشار، ایرج؛ *نادره کاران* (سوگنامه ناموران فرهنگی و ادبی)، به کوشش محمود نیکویه، تهران، قطر، ۱۳۸۳.

